بررسی چرایی عملیات اسرائیل علیه محور مقاومت در گفت‌وگو با محمدعلی مهتدی، کارشناس ارشد مسائل غرب آسیا

عملیات نتانیاهو علیه مقاومت با هدف انتخاباتی است

روح‌الله صالحی

پس از هشدار دبیرکل حزب‌الله لبنان و فرماندهان حشدالشعبی مبنی بر حتمی بودن واکنش به حملات اسرائیلی‌ها، صهیونیست‌ها از بیم واکنش دردناک محور مقاومت، لحظه‌ای خواب و خوراک ندارند و فضایی از رعب و وحشت سرزمین‌های اشغالی را فراگرفته است. درحالی که رژیم صهیونیستی از زمان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، از وارد شدن به درگیری جدی با محور مقاومت واهمه داشت اما نزدیک بودن انتخابات پارلمانی اسرائیل و اوضاع آشفته بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی سبب شده است او به فکر انحراف تمرکز افکار عمومی از داخل به خارج و نیز نمایش چهره‌ای اقتدارآمیز از خود بیفتد و دست به ماجراجویی‌های جدیدی در منطقه بزند. نتانیاهو در هفته‌های اخیر دست به انتحار زده است و با عملیات علیه مقرهای گروه‌های حشدالشعبی در عراق و حزب‌الله در لبنان تلاش کرده اسرائیل را که از شش محور در محاصره قرار گرفته است، نجات دهد، اما عزم راسخ گروه‌های مقاومت با پاسخ دندان شکن به عملیات اسرائیل، نتانیاهو را سخت به تکاپو انداخته و به هر دری می‌زند تا از پاسخ متقابل حزب‌الله و حشدالشعبی جلوگیری کند. محمدعلی مهتدی، کارشناس مسائل غرب آسیا در گفت‌وگو با «جوان» تأکید کرد: «عملیات نتانیاهو در هدف قرار دادن مقرهای مقاومت در منطقه، بازی با آتش است، زیرا اسرائیل توان تحمل پاسخی که از سوی حزب‌الله و حشدالشعبی و دیگر گروه‌های مقاومت داده خواهد شد را ندارد و در آستانه انتخابات پارلمانی، نتانیاهو می‌خواهد موقعیت خود را تثبیت کند.» به گفته این کارشناس خاورمیانه «عملیات اسرائیل طرحی با مشارکت امریکا برای ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای منطقه و کشمکش بین محور مقاومت در منطقه است که این برنامه هم به نتیجه نخواهد رسید و سخنرانی سیدحسن نصرالله و مواضع حشدالشعبی و انصارالله یمن علیه اسرائیلی‌ها کاملاً نشان می‌دهد که ابتکار عمل در دست محور مقاومت است.»

با توجه با اینکه تنش‌ها بین ایران و امریکا در منطقه تشدید شده و هر اقدام نسنجیده‌ای ممکن است آتش جنگ منطقه‌ای را شعله‌ور کند، اما اسرائیل در هفته‌های اخیر حملاتی را به مقرهای محور مقاومت در عراق، سوریه و لبنان ترتیب داده است. این عملیات در برهه کنونی با چه هدفی انجام می‌شود؟

حملات متعدد اسرائیل به عراق، سوریه و لبنان را هم به طور جداگانه می‌توان بررسی کرد و در عین‌حال می‌توان این حملات را به یکدیگر ربط داد. عملیاتی که اخیراً در لبنان صورت گرفته از زمان جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ و پس از قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل سابقه نداشته است که اسرائیل در خاک لبنان عملیاتی انجام دهد و به دلیل بازدارندگی که حزب‌الله در سال‌های اخیر ایجاد کرده بود، صهیونیست‌ها جرئت نمی‌کردند عملیاتی را انجام دهند، اما با عملیاتی که در روزهای اخیر انجام شد، صهیونیست‌ها این معادله را زیر پا گذاشتند. حزب‌الله بارها هشدار داده است اگر اسرائیل عملیاتی انجام دهد که به شهادت اعضای این جنبش بینجامد، واکنش جدی نشان خواهد داد. بر اساس تحقیقات انجام شده، مشخص شد که دو پهپاد اسرائیلی که به خاک لبنان تجاوز کردند مجهز به مواد منفجره بودند و هدفشان انهدام دفتر ارتباطات رسانه‌ای حزب‌الله و ترور «محمد عفیف» مسئول این دفتر بوده و این نشان می‌دهد که اسرائیل قاعده را زیر پا گذاشته است. با سخنان سیدحسن نصرالله مقاومت وارد فاز جدیدی شده است و مقاومت لبنان به این عملیات پاسخ خواهد داد. به نظر می‌رسد بخشی از پاسخ حزب‌الله سرنگونی پهپادهای رژیم صهیونیستی خواهد بود که سیدحسن نصرالله هم به آن اشاره کرده است و بخش دیگر عملیات هم علیه ارتش صهیونیستی و در داخل فلسطین اشغالی انجام خواهد شد و هشدارهای نصرالله باعث شده است در سرزمین‌های اشغالی صهیونیست‌ها در حال آماده‌باش باشند و شهرک‌نشینان به پناهگاه‌ها پناه برده و در حالت روانی سختی به سر برند.

در مورد عملیات صهیونیست‌ها در سوریه هم باید گفت که هر وقت ارتش سوریه پیروزی و پیشرفت‌هایی در مقابل تروریست‌ها به دست می‌آورد، اسرائیل عملیاتی را علیه دولت سوریه انجام می‌دهد تا جبهه جدیدی علیه ارتش سوریه باز کند و فشارهای مقاومت علیه تکفیری‌ها برداشته شود. در شرایطی که ارتش سوریه عملیات آزادسازی استان ادلب را آغاز کرده است و اخیراً شهر خان شیخون که دروازه ادلب به شمار می‌رود را تصرف کرده است که موفقیت بسیار مهمی محسوب می‌شود، بنابراین اسرائیلی‌ها هدفشان این است که ارتش سوریه را از ادامه عملیات آزادسازی ادلب باز دارند و در عین حال روحیه و توان عملیاتی تروریست‌ها را بالا ببرند.

با توجه به بُعد مسافت بین اسرائیل و عراق تاکنون سابقه نداشته که صهیونیست‌ها عملیاتی را انجام دهند ولی در یک ماه گذشته چندین پایگاه حشدالشعبی مورد هدف قرار گرفته و حرف‌هایی که اخیراً بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اظهار کرده است که این رژیم پایگاه‌های ایران را در هر کشوری مورد هدف قرار خواهد داد، بیانگر این است که این عملیات توسط صهیونیست‌ها انجام شده است. هدف اسرائیل از عملیات در خاک عراق ایجاد هرج و مرج، ناامنی و بی‌ثباتی در عراق است که در همسایگی ایران قرار دارد، زیرا اگر وضعیت بی‌ثباتی در عراق حاکم باشد در داخل ایران هم تأثیر خواهد گذاشت، بنابراین صهیونیست‌ها در هر نقطه‌ای هدفی را دنبال می‌کنند و اگر همه اینها را به یکدیگر ارتباط دهیم هدف مشترکی حاصل می‌شود. آنچه تحلیلگران گفته‌اند این است که در آستانه انتخابات پارلمانی اسرائیل که در هفته‌های آینده برگزار خواهد شد نتانیاهو احساس ضعف شدیدی می‌کند و تلاش می‌نماید با این عملیات، موقعیت سیاسی خود را تقویت کند و نظرسنجی‌های انجام شده هم نشان می‌دهد که ائتلاف «بن گانتز و آویگدور لیبرمن» شانس بیشتری برای پیروزی در انتخابات پارلمانی اسرائیل دارد و احتمالاً نتانیاهو در این انتخابات شکست خواهد خورد. با توجه به اینکه در سرزمین‌های اشغالی وضعیت اجتماعی بسیار بحرانی است و صهیونیست‌ها در ترس و وحشت زندگی می‌کنند و اعتمادشان نسبت به ارتش و کابینه از بین رفته است، نتانیاهو با این عملیات می‌خواهد وضعیت جدیدی ایجاد کند و بر افکار عمومی اسرائیلی‌ها و روحیه نیروهای ارتش تأثیر بگذارد تا شاید با این عملیات بتواند انتخابات را به نفع خود به پایان برساند.

آیا اصلاً اسرائیل در شرایط کنونی توانایی به راه انداختن جنگ با محور مقاومت را دارد؟ با وجود اینکه مقامات سابق اسرائیلی بارها نسبت به ضعف تل آویو در برابر توانایی‌های حزب‌الله و گروه‌های مقاومت فلسطینی هشدار داده‌اند؟

اسرائیل می‌داند اگر عملیات به مقرهای محور مقاومت، به یک جنگ بزرگ منطقه‌ای تبدیل شود، ممکن است چیزی به نام اسرائیل باقی نماند. چون حزب‌الله و جنبش حماس با قدرت‌های موشکی که در نوار غزه و جنوب لبنان دارند، به تنهایی قادر هستند سراسر سرزمین‌های اشغالی را موشک‌باران کنند. حتی خود مقامات صهیونیستی هم معتقدند که حزب‌الله بیش از ۱۵۰ هزار موشک در اختیار دارد و بنابراین هر جنگی رخ دهد چند روز طول نخواهد کشید و صهیونیست‌ها می‌دانند که حزب‌الله در هر جنگ احتمالی در آینده وارد خاک فلسطین اشغالی خواهد شد و عملیات خود را در داخل اسرائیل پیش خواهد برد. در صورتی که این جنگ منطقه‌ای شود، نه تنها اسرائیل نابود خواهد شد بلکه منافع امریکا هم در خاورمیانه تهدید خواهد شد. بنابراین اسرائیلی‌ها دنبال به راه انداختن جنگ بزرگ نیستند بلکه تعدادی عملیات ایذایی انجام می‌دهند و صرفاً به همان اهداف خود که ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی و حمایت از گروه‌های تروریستی و بالا بردن روحیه ارتش اسرائیل و افکار عمومی صهیونیست‌هاست، اکتفا خواهند کرد.

با وجود اینکه سیدحسن نصرالله هشدار داده است که اسرائیل باید منتظر پاسخ مقاومت باشد، رسانه‌های اسرائیلی گزارش داده‌اند که اسرائیل تهدیدهای نصرالله را جدی گرفته و در حال آماده شدن برای مقابله با این واکنش‌هاست. واکنش گروه‌های مقاومت به ویژه حزب‌الله و حشدالشعبی به حملات اسرائیل چه خواهد بود؟ اگر حملاتی از سوی حزب‌الله انجام شود در چه سطحی خواهد بود؟

آنچه از سخنرانی هشدارآمیز سیدحسن نصرالله بر می‌آید، این است که اولاً حزب‌الله تصمیم دارد بعد از این هر پرنده و هواپیمای اسرائیلی را که وارد حریم هوایی لبنان شود، سرنگون کند. تاکنون تصور صهیونیست‌ها بر این بود که حزب‌الله در عرصه پدافند هوایی قدرت چندانی ندارد و قادر به سرنگونی پهپادها نیست و اسرائیلی‌ها هم می‌خواهند حزب‌الله را تحریک کنند تا میزان توانایی‌های مقاومت لبنان را در این زمینه بسنجند و ببینند که در سال‌های اخیر تا چه حد در عرصه پدافندی پیشرفت کرده است. اکنون حزب‌الله نشان داده است که توانایی حفاظت از حریم هوایی لبنان را دارد و بعد از این هواپیماهای اسرائیلی مثل گذشته نمی‌توانند به راحتی در این منطقه پرواز انجام دهند. مهم‌تر از همه اینکه عملیات حزب‌الله منحصر به سرنگون کردن پهپادها نخواهد بود و احتمالاً عملیاتی در خاک سرزمین‌های اشغالی انجام خواهد داد و همین سبب شده است صهیونیست‌ها در ترس و وحشت زندگی کنند و اسرائیلی‌ها نمی‌دانند که عملیات انتقامی حزب‌الله چگونه، در کجا و چه زمانی انجام خواهد شد؟!

همین ابهام حزب‌الله در مورد زمان و مکان حمله به صهیونیست‌ها، یک فضای آکنده از ترس و نگرانی را در بین صهیونیست‌ها ایجاد کرده و این یکی از اهداف حزب‌الله است. در سال‌های اخیر ثابت شده که نصرالله به سخنانی که می‌گوید، عمل می‌کند و تهدیدات توخالی نیست و برای خود صهیونیست‌ها هم ثابت شده است که عملیات حزب‌الله صورت خواهد گرفت و مقامات تل آویو هم اکنون منتظر پاسخ محور مقاومت هستند.

در مورد حشدالشعبی، تحقیقاتی که انجام شده است نشان می‌دهد که امریکایی‌ها در این عملیات دست داشته‌اند و اگر هم هواپیماها و پهپادهای اسرائیلی عملیاتی را علیه پایگاه‌های نظامی حشدالشعبی انجام داده‌اند به طور کامل با اطلاع امریکا و کمک‌های این کشور بوده است، زیرا حریم هوایی عراق در دست امریکایی‌هاست و هر هواپیمایی که بر فراز عراق پرواز کند امریکایی‌ها از آن اطلاع کامل دارند. به خصوص تجاوز اخیر به مقرهای حشدالشعبی که در استان الانبار انجام گرفت و به شهادت یکی از اعضای این گروه منجر شد نشان می‌دهد که کاملاً امریکایی‌ها از این عملیات حمایت کرده‌اند. طبق موضع‌گیری‌هایی که از سوی مسئولان حشدالشعبی و بیانیه‌ای که توسط ابومهدی المهندس، فرمانده حشدالشعبی صادر شده است امریکا را مسئول این تجاوزات اعلام کرده‌اند و احتمالاً در آینده به تحرکات امریکا پاسخ خواهند داد. خبرهایی هم منتشر شده است که به پایگاه امریکایی در المخمور حملات موشکی شده و خساراتی را وارد کرده است. همچنین فتوای آیت‌الله کاظم حائری که حضور امریکایی‌ها در عراق را حرام اعلام کرده است به عنوان حکم مرجع شیعیان می‌تواند نافذ و زمینه‌ساز عملیات علیه امریکایی‌ها در عراق باشد.

گفته می‌شود حملات اسرائیل به پایگاه‌های مقاومت در عراق، سوریه و لبنان به این خاطر است که صهیونیست‌ها تاکنون تا این اندازه از سوی نیروهای مقاومت در منطقه تحت فشار قرار نگرفته بودند و اکنون از شش محور در محاصره قرار گرفته‌اند و این حملات هم یک نوع انتحاری از سوی اسرائیل برای حفظ موجودیت خود است. تحلیل شما در این باره چیست؟

این مسئله درست است، اسرائیل چون احساس می‌کند که از هر سو در محاصره قرار گرفته و ابتکار عمل و بازدارندگی را که تا چند سال پیش داشت از دست داده است و به همین دلیل اعتماد مردم اسرائیل به ارتش و دولتمردان از بین رفته است نتانیاهو می‌خواهد با این عملیات این وضعیت را بهبود بخشد و دوباره نشان دهد که اسرائیل به رغم همه این فشارها می‌تواند اقداماتی را در منطقه انجام دهد. البته عملیات نتانیاهو در هدف قرار دادن مقرهای مقاومت در منطقه، نوعی بازی با آتش است، زیرا اسرائیل توان تحمل پاسخی که از سوی حزب‌الله و حشدالشعبی و دیگر گروه‌های مقاومت داده خواهد شد را ندارد و در آستانه انتخابات پارلمانی، نتانیاهو می‌خواهد موقعیت خودش را تثبیت کند. این احتمال هم وجود دارد که این عملیات طرحی با مشارکت امریکا برای ایجاد بی‌ثباتی در کشورهای منطقه و کشمکش بین محور مقاومت در منطقه باشد که این برنامه هم به نتیجه نخواهد رسید و سخنرانی نصرالله و مواضع حشدالشعبی و انصارالله یمن کاملاً نشان می‌دهد که ابتکار عمل در دست محور مقاومت است.

با توجه به اینکه حملات مکرر اسرائیل به پایگاه‌های حشدالشعبی و سوریه پس از سرنگونی پهپاد امریکایی در حریم هوایی ایران انجام شده است، برخی بر این باورند که امریکا و اسرائیل به این ارزیابی رسیده‌اند که توانایی مقابله مستقیم با ایران را ندارند و سعی می‌کنند به منافع ایران در کشورهای منطقه ضربه بزنند و نتانیاهو هم به این مسئله اعتراف کرده است. شما چقدر این مسئله را تأیید می‌کنید؟

بله، این چیزی است که خود امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها هم به آن اعتراف می‌کنند که توانایی مقابله مستقیم با ایران را ندارند و در نتیجه می‌خواهند به بازوهای ایران در منطقه مثل حزب‌الله، حشدالشعبی و انصارالله آسیب بزنند. این سناریوی تازه‌ای نیست و از سال ۲۰۰۰ که حزب‌الله توانست ارتش اشغالگر اسرائیل را از جنوب لبنان بیرون کند مراکز تحقیقاتی امریکا این بحث را داشتند که پیروزی مقاومت نتیجه حمایت‌های ایران بوده است و اینکه آیا با ایران مستقیم برخورد یا اینکه با نواب آن در منطقه مقابله کنند به این نتیجه رسیدند که برای مقابله با منافع ایران در منطقه، باید بازوهای منطقه‌ای آن را قطع کنند و جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ هم بر همین مبنا انجام شد. آنها تصور می‌کردند که می‌توانند ظرف چند روز حزب‌الله را نابود کنند و مرز سوریه و لبنان را به نیروهای سازمان ناتو بسپارند و در همان زمان که ارتش امریکا هم در عراق حضور داشت، دولت سوریه را از سوی عراق و لبنان تحت فشار قرار داده بود تا دولت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه را سرنگون کنند. بر این باور بودند که پس از قطع بازوهای منطقه‌ای ایران مستقیماً سراغ ایران آمده و در شرایطی که ایران تنها مانده است و نواب آن وجود ندارند که به منافع اسرائیل و امریکا ضربه بزنند، کشورمان را به بهانه برنامه هسته‌ای بمباران کنند، اما نتیجه جنگ ۳۳ روزه برخلاف تصورات اسرائیل و امریکا بود و آنها در همه برنامه‌های پیش‌بینی شده خود در برابر حزب‌الله شکست خوردند و قدرت محور نه تنها تضعیف نشد بلکه جایگاه مقاومت در منطقه تقویت شد، بنابراین سناریوی مقابله با همپیمانان ایران از سال ۲۰۰۰ مطرح شده است و تاکنون هم ادامه دارد و هر گونه عملیات علیه محور مقاومت از سوی امریکا و رژیم صهیونیستی طی این سال‌ها با این هدف انجام شده اما همه آنها با شکست مواجه شده است و ابتکار عمل منطقه در دستان محور مقاومت قرار دارد.

> **عملیات نتانیاهو در هدف قرار دادن مقرهای مقاومت در منطقه، نوعی بازی با آتش است، زیرا اسرائیل توان تحمل پاسخی که از سوی حزب‌الله و حشدالشعبی و دیگر گروه‌های مقاومت داده خواهد شد را ندارد و در آستانه انتخابات پارلمانی، نتانیاهو می‌خواهد موقعیت خودش را تثبیت کند**

مقامات اسرائیل مدعی شده‌اند که حملات اخیر به سوریه برای جلوگیری از حملات پهپادی ایران به سایت‌های اسرائیلی انجام شده است، چیزی که مقامات ایرانی آن را تأیید یا رد نکرده‌اند، این ادعاها چقدر صحت دارد؟

این ادعاها دروغ است و تنها برای توجیه عملیات خودشان علیه محور مقاومت است. نتانیاهو برای اینکه افکار عمومی اسرائیل را متقاعد کند، این دروغ‌ها را می‌گوید اما چنین برنامه‌ای صحت ندارد. بسیاری از عملیاتی که اسرائیل انجام می‌دهد جنبه تبلیغاتی دارد و بیشتر برای توجیه اشتباهات نتانیاهو در داخل اسرائیل است. این ادعاها گفتمانی

است که نتانیاهو تحت تأثیر بیماری ایران هراسی که به آن مبتلا شده است، عنوان می‌کند تا همه تهدیدات در منطقه را به تهران نسبت دهد و اینگونه وانمود کند که عملیات نظامی در عراق، سوریه و لبنان و حتی یمن برای مقابله با خطرات و نفوذ ایران است.

با وجود اینکه احزاب مخالف نتانیاهو گفته‌اند با حملات برون مرزی نتانیاهو مخالف هستند و معتقدند که این عملیات با اهداف سیاسی و انتخاباتی انجام می‌شود و چون نتانیاهو از محبوبیت کافی برای پیروزی در انتخابات پارلمانی برخوردار نیست، با تشدید تحرکات نظامی علیه امنیت منطقه و امنیتی کردن فضا در داخل سرزمین‌های اشغالی به دنبال قدرت‌نمایی برای فرار از شکست انتخاباتی است با این وجود اگر تنش جدی بین نیروهای مقاومت و اسرائیل رخ دهد، این درگیری‌ها چه تأثیری در داخل سرزمین‌های اشغالی و همچنین بر روند موفقیت نتانیاهو در انتخابات آتی خواهد داشت؟

انتقادها از نتانیاهو در داخل اسرائیل خیلی گسترده است و بسیاری از مقامات اسرائیلی او را متهم می‌کنند که به بیماری ایران هراسی مبتلا شده است و شبانه‌روز از خطر ایران در منطقه سخن می‌گوید و بدین ترتیب می‌خواهد اقدامات نابخردانه خود را توجیه کند. این انتقادها وجود دارد و به همین دلیل اگر هدف نتانیاهو از عملیات علیه محور مقاومت، در راستای تقویت پایگاه سیاسی خود در انتخابات آینده باشد، ممکن است نتایج معکوسی داشته باشد و در انتخابات هم نتیجه عکس بگیرد و پایگاه مردمی‌اش متزلزل شود.

> **با سخنان سیدحسن نصرالله مقاومت وارد فاز جدیدی شده است و مقاومت لبنان به این عملیات پاسخ خواهد داد. به نظر می‌رسد بخشی از پاسخ حزب‌الله سرنگونی پهپادهای رژیم صهیونیستی خواهد بود که سیدحسن نصرالله هم به آن اشاره کرده است و بخش دیگر عملیات هم علیه ارتش صهیونیستی و در داخل فلسطین اشغالی انجام خواهد شد**

> **حرف آخر را محور مقاومت می‌زند و تعیین کننده سرنوشت منطقه است. محور مقاومت تاکنون در همه جبهه‌ها در لبنان، عراق، سوریه و یمن در حال دفاع از خود بوده و طرف مقابل همواره در حالت تهاجم قرار داشته است اما با تحقق اولویت‌های محور مقاومت، این احتمال وجود دارد که مقاومت از حالت دفاعی خارج شود**

نتانیاهو مدعی است با نفوذ ایران در نزدیکی مرزهای خود مقابله می‌کند و حملات متعدد به سوریه هم که با این هدف انجام شده است، نتیجه‌ای در پی نداشته و الان قدرت ایران در منطقه بیشتر از قبل شده است و با پیروزی نهایی ارتش سوریه در برابر تروریست‌ها، قدرت مقاومت گسترده‌تر خواهد شد. به نظرتان با پیروزی محور مقاومت در سوریه که تهدیدات امنیتی رژیم صهیونیستی افزایش خواهد یافت، این رژیم چه برنامه‌ها و سناریوهایی برای مقابله با نفوذ فزاینده ایران در پیش خواهد گرفت؟

این یک مسئله پیچیده است و به سادگی نمی‌توان به آن پاسخ داد ولی در حال حاضر اولویت‌ها در مناطق مختلف متفاوت است. در لبنان، امریکا با فشارها و تحریم‌های اقتصادی تلاش می‌کند تا مردم لبنان را علیه حزب‌الله تحریک کند و بنابراین در لبنان اولویت مقاومت مقابله با مشکلات اقتصادی و خنثی کردن توطئه‌های امریکاست. در سوریه، الان اولویت پایان دادن به پروژه تروریست‌ها در این کشور است و بعد از آن حل مسئله شرق فرات و سیاست نادرستی که ترکیه در پیش گرفته است. عراق هم در شرایط کنونی ابتدا به دنبال بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ با داعش و ایجاد ثبات در داخل است اما اسرائیلی‌ها مانع ایجاد ثبات در عراق هستند. رسیدن به این اهداف در کشورهای عضو مقاومت، ممکن است زمانبر باشد و باید دید که بعد از تحقق این اهداف در آینده منطقه در چه جهتی پیش خواهد رفت. آنچه مسلم است اینکه حرف آخر را محور مقاومت می‌زند و تعیین کننده سرنوشت منطقه است. محور مقاومت تاکنون در همه جبهه‌ها در لبنان، عراق، سوریه و یمن در حال دفاع از خود بوده و طرف مقابل همواره در حالت تهاجم قرار داشته است اما با تحقق اولویت‌های محور مقاومت، این احتمال وجود دارد که مقاومت از حالت دفاعی خارج شود و حالت تهاجمی در پیش گیرد. همچنین طرح‌های مختلفی نیز مطرح است که باید دید در آینده چه وضعیتی پیش خواهد آمد؟

با توجه به دشمنی رژیم‌های عربی با ایران و تلاش برای مقابله با نفوذ محور مقاومت در منطقه، آیا حملات مکرر رژیم صهیونیستی به حشدالشعبی، حزب‌الله و ارتش سوریه ممکن است با چراغ سبز عربستان سعودی و امارات و دیگر رژیم‌های عربی انجام شده باشد با توجه به اینکه اعراب در سال‌های اخیر به دنبال عادی‌سازی روابط با اسرائیل هستند؟

بله، این کشورها همیشه با ارتباطات گسترده‌ای که با اسرائیل داشتند، هزینه‌هایی را برای مقابله با نفوذ ایران در منطقه پرداخت می‌کردند و از سال ۲۰۱۱ که بحران سوریه شروع شد تاکنون عربستان سعودی، امارات و قطر در عملیات مشترک امریکا و اسرائیل علیه دولت سوریه و حزب‌الله نقش مهمی ایفا کردند. در حال حاضر این کشورها از لحاظ سیاسی حتماً از حملات صهیونیست‌ها به محور مقاومت حمایت می‌کنند اما از نظر مالی و تسلیحاتی توان این کار را ندارند، چراکه اکنون عربستان و امارات در باتلاق یمن گرفتار شده‌اند و با طولانی شدن جنگ منابع مالی خودشان را از دست داده‌اند و دچار بحران مالی و امنیتی هستند و بیش از این نمی‌توانند در عملیات اسرائیلی‌ها علیه محور مقاومت دخالت کنند، زیرا نه آن منابع مالی گذشته را در اختیار دارند و نه در اولویت سیاست خارجی اعراب است که در عملیات اسرائیل علیه ایران شرکت کنند و عربستان و امارات الان در فکر نجات خودشان در یمن هستند.

در کل تحولات آینده منطقه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

الان محور مقاومت ابتکار عمل را در دست گرفته است و در وضعیت قدرتمندتری قرار دارد. محور مقاومت یک قوس امنیتی استراتژیک را از شرق مدیترانه، نوار غزه و لبنان تا خلیج فارس، دریای عرب و تنگه باب‌المندب در اختیار دارد و در این قوس محور مقاومت در واقع حرف اول و آخر را می‌زند و طرف مقابل ابتکار عمل را از دست داده و در حالت ضعف قرار گرفته است. از سوی دیگر، دشمنان مقاومت دو جنگ دیگر را هم طراحی کرده‌اند که اولین آن فشار اقتصادی به همه کشورهای عضو مقاومت است که این روی زندگی مردم تأثیر خواهد داشت و این فشارهای اقتصادی اکنون در لبنان، سوریه، عراق، ایران و یمن وجود دارد. جنگ دومی هم در جریان است و آن راه انداختن عملیات روانی و تبلیغاتی امریکا و اسرائیل علیه محور مقاومت در شبکه‌های اجتماعی است و متأسفانه مقاومت در این زمینه نتوانسته است به اندازه کافی تأثیرگذار باشد. این اقدامات روانی تأثیر چندانی ندارد هر چند ممکن است این تبلیغات روی برخی افراد تأثیر بگذارد اما در کل موفقیت خاصی نخواهد داشت. بنابراین محور مقاومت که از لحاظ نظامی در وضعیت مناسبی قرار دارد باید در زمینه مقابله با فشارهای اقتصادی و عملیات روانی دشمنان در شبکه‌های اجتماعی هم فعالیت‌های بیشتری از خود نشان دهد تا در همه زمینه‌ها دست برتر را داشته باشد.